



وحدت از دیدگاه علامه طباطبائی

نشست علمی «وحدت از دیدگاه علامه طباطبائی» با حضور سید لطف الله جلالی و قاسم جوادی در مجتمع عالی امام خمینی(ره) برگزار شد.

نشست علمی «وحدت از دیدگاه علامه طباطبائی» با حضور سید لطف الله جلالی و قاسم جوادی در مجتمع عالی امام خمینی(ره) برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری مهر، نشست علمی «وحدت از دیدگاه علامه طباطبائی» از سوی انجمن علمی ادیان و مذاهب با همکاری گروه علمی ادیان و مذاهب و معاونت آموزش مجتمع عالی امام خمینی(ره) در تاریخ ۱۰/۱۰/۹۵ در سالن صدر این مجتمع برگزار شد.

قاسم جوادی، مدیر گروه علمی ادیان و مذاهب و سید لطف الله جلالی، معاون آموزشی گروه ادیان و مذاهب در این نشست به تبیین اندیشه های تقریبی علامه طباطبائی(ره) پرداختند.

لطف الله جلالی در ابتدای این نشست گفت: شخصیت و موقعیت علمی علامه به عنوان احیاگر معارف قرآنی، پرچمدار و مدافع مکتب شیعه، صاحب سیر و سلوک عرفانی ویژه و.... بر کسی پوشیده نیست.

وی اظهار داشت: درحالی که شخصیت های تقریبی امثال شرف الدین، محمدحسین کاشف الغطاء، علامه فضل الله، سید موسی صدر و... در عرصه اجتماعی وارد شده موضوع تقریب را در این عرصه نیز در کنار تولید اندیشه دنبال می کردند، اما علامه طباطبائی در عرصه اجتماعی کمتر ورود پیدا کرده و بیشتر به مباحث علمی پرداخته است. البته این بدین معنا نیست که علامه رویکرد تقریبی نداشته باشد. بلکه وحدت و تقریب در نزد ایشان اهمیت دارد، اما در کل دأب ایشان بر این است که در عرصه های اجتماعی کمتر ورود پیدا کرده است و در این مورد خاص نیز به هر دلیلی، عملاً وارد این عرصه نشده است.

وحدت از دیدگاه علامه به معنی تقریب گفتمانی و طرح و تحلیل عقاید به صورت آزادانه است

جلالی، با بیان اینکه وحدت از دیدگاه علامه به معنی تقریب گفتمانی و طرح و تحلیل عقاید به صورت آزادانه است، گفت: علامه در آثار خویش باب و مبحث ویژه و مستقلی تحت عنوان وحدت یا تقریب مذاهب اسلامی نگاشته است. اما می توان از میان مطالب و رویکردهای علمی ایشان، رویکرد وحدت و تقریب را استیاد کرد. ایشان موارد ذیل را از جمله این موارد برشمرد:

- توجه ویژه علامه به ریشه اختلافات مسلمین. مثل توجه به حدیث افتراق و نقش منافقین در زمان پیامبر (ص) و بعد از ایشان در ایجاد تفرقه و...

- تشابه فکری و نزدیکی با برخی اهل سنت در نظریه های علمی. از باب نمونه دیدگاه علامه با اشاعره در نظریه خلق اعمال و اینکه اعمال از جهت وجودی مخلوق خدا و حسن است، نزدیک است.

- بی اعتنایی نکردن به اندیشه ها و مبانی مذاهب اسلامی و ورود و توجه علامه به تمام موارد که اهل سنت وارد شده اند و بحث کرده اند.

- تبیین برخی از مبانی مکتب شیعه به شکلی که به تقریب مساعدت می کند؛ مثل تبیین ایشان از عدم تحریف قرآن و اینکه امامت را از اصول مذهب دانسته نه اصول دین چون ائمه (ع) با کسانی که امامت را قبول نداشتند، مانند مسلمان رفتار می کردند.

در ادامه جلالی به برخی موارد جزئی از تصریحات علامه به تقریب و ضرورت وحدت اشاره کرد و گفت: مهم ترین و صریح ترین آن ها، منشوری است که در آثار علامه آمده است. علامه، در پاسخ به سؤالی مبنی بر اهمیت و ضرورت تقریب می نویسد: «اتحاد یا تقریب اسلامی به طوری که منجر به فراموشی معارف دینی و متروک شدن دستورات مذهبی نباشد و مزایای دینی در بر داشته باشد، تردیدی در رجحان آن از نظر عقل و منطق نیست. متأسفانه نیروی که مسلمانان صدر اول با پیروی از تعلیمات قرآن به دست آورده و در پرتوی آن در کمتر از یک قرن فرمانروایی قسمت اعظم معمره را به دست آوردند، بر اثر اختلاف کلمه

و رها ساختن فکر اجتماعی به کلی منحل شد. و سروت واقعی و موجودیت حقیقی‌شان به تاراج رفت. البته عوامل جدایی تا می‌توانستند این دو طایفه بزرگ اسلامی را از هم جدا نمودند. ولی باید همواره متذکر این حقیقت بود که اختلاف دو طایف در پاره‌ای از فروع بوده، در اصول دین باهم اختلافی ندارند، و حتی در فروع ضروری دین مانند: نماز، روزه، حج، جهاد و غیر آن‌ها، در قرآن و کعبه متفق‌اند و همگی قرآن و کعبه را یکی می‌دانند. روی همین اصل بود که شیعیان صدر اول، هرگز از صف اکثریت کنار نرفته، و در پیشرفت امور عامه اسلامی، با عموم مسلمین هرگونه تشریک مساعی و بذل نصیحه می‌نمودند و هم اکنون نیز بر عموم مسلمین لازم است که اتفاق خود را در اصول آیین مقدس اسلام در نظر گرفته، و از همه فشارها و ناراحتی‌ها که در این مدت از عوامل خارجی کشیده‌اند به خود آمده، تفرقه علمی را کنار گذاشته، در یک صف قرار گیرند، و قبل از آن‌که دیگران این مسئله را به عنوان یک حقیقت تاریخی کشف کرده، در کتب تاریخ درج کنند، خود مسلمین این حقیقت را عملاً تثبیت نمایند. خوشبختانه دنیای اسلام نیز کم‌کم به این حقیقت دارد پی می‌برد و تعلیل فکر تقریب بین مذاهب اسلامی از طرف مراجع شیعه به همین منظور بود. و شیخ بزرگوار الازهر، نیز این حقیقت را با کمال صراحت لهجه بیان نموده و اتفاق کامل دینی شیعه و سنی را به همه جهانیان اعلام نمود. و شیعه باید سپاس‌گزار این مرد بزرگوار بوده و از عمل بی‌آلایش وی تقدیر نماید. چنانکه در سؤال اشاره‌شده، این امر منافاتی با بحث علمی-تاریخی در مسایل اعتقادی ندارد و باید هم مناقشه علمی شیعه و سنی در سطح عالی همواره ادامه یابد تا تاریکی‌ها روشن و حقایق بر همه منکشف گردد و این امر ربطی به تعصب و رزی و حمله و نشر اکاذیب ندارد.»

تقریب به معنای دست برداشتن از اصول نیست

وی در پایان گفت: این عبارت علامه به خوبی می‌رساند که تقریب نزد ایشان نه به معنای دست برداشتن از اصول بلکه بدین معناست که در عین اینکه در اصول و فروع ضروری باهم متفق هستیم، باید در فروع غیرضروری بحث و روشنگری ادامه یابد.

اهمیت وحدت و تعامل احسن از نظر قرآن

قاسم جوادی در ادامه این نشست ضمن اینکه فاصله گرفتن مسلمانان از آموزه‌های اصلی دین و برخورد گزینشی با آن در تعامل با یکدیگر را مورد انتقاد قرارداد، به اهمیت وحدت و تعامل احسن از نظر قرآن اشاره کرد و گفت: قرآن با اهل کتاب، مشرکین و منافقین تعامل احسن و نگاه تقریبی را توصیه می‌کند چه رسد میان خود مسلمانان. وی آیات ذیل را مورد استناد قرارداد:

- سوره مائده آیه ۲ (...وَلَا يَجْرِمُكُمْ شَتْنُ قَوْمٍ أَوْ صَدُوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى...) در این آیه با اینکه مشرکین مانع ورود مسلمانان به مسجدالحرام شدند، قرآن از تعدی و تجاوز به آن‌ها نهی می‌کند.

- سوره ممتحنه آیه ۸ (لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ...) در این آیه نیز با تمام کسانی که مسلمانان با آن‌ها سر جنگ ندارند، توصیه به بر و رفتار نیک و عادلانه می‌کند.

- سوره نساء آیه ۹۰ (...فَإِنْ عَاتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ أَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا) در این آیه حق هرگونه برخورد ناشایسته از سوی مسلمانان با کسانی که راه صلح و بی‌طرفی را در پیش گرفته‌اند، نفی گردیده است.

- سوره عنکبوت آیه ۴۶ (وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...) این آیه، به تعامل حسن با اهل کتاب اکتفا نکرده است بلکه تنها به تعامل احسن و بهترین رفتار توصیه و سفارش می‌کند.

- سوره احزاب آیه ۲۴ (... وَ يُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ...) با وجود اینکه قرآن در برابر منافقین لحن تند و برخورد شدید دارد، اما در این آیه سخن از گذشت منافقین مطرح است.

- سوره طه آیه ۹۴ (قَالَ يَا بُنَا أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَ لَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَ لَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي) در این آیه حضرت هارون عذر عدم نهی بنی‌اسرائیل از گوساله‌پرستی را، احتمال اختلاف میان گوساله پرستان (= شرک یا کفر) و مؤمنان بیان می‌کند.

جوادی، در تبیین آیه و ضرورت وحدت از دیدگاه علامه، به تفسیر میزان ذیل این آیه اشاره کرد که طبق فرمایش علامه اهمیت وحدت چنان است که حضرت موسی نیز عذر حضرت هارون را می‌پذیرد و برای او دعا می‌کند. (و قوله: «إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَ لَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي» تعلیل لمحدوف يدل عليه اللفظ و محصله لو كنت مانعهم عن عبادة العجل و قاومتهم

بالغة ما بلغت لم يطعنني إلا بعض القوم و أدى ذلك إلى تفرقهم فرقتين: مؤمن مطيع، و مشرك عاص، و كان في ذلك إفساد حال القوم بتبديل اتحادهم و اتفاقهم الظاهر تفرقا و اختلافا و ربما انجر إلى قتال و قد كنت أمرتني بالإصلاح إذ قلت لي: «أَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» فخشيت أن تقول حين رجعت و شاهدت ما فيه القوم من التفرق و التحزب: فرقت بين بني إسرائيل و لم ترقب قولی. هذا ما اعتذر به هارون و قد عذره موسى و دعا له و لنفسه كما في سورة الأعراف بقوله: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِأَخِي وَ ادْخُلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (الأعراف: ١٥١).

دیدگاه خاص علامه در مورد وحدت

جوادی در ادامه، به دیدگاه ویژه علامه در مورد وحدت اشاره کرد و مدعی شد که دیدگاه علامه بسیار ارزشمند است و در حد اطلاع ایشان، هیچ یک از طرفداران تقریب، به این مسئله اشاره نکرده است. نظریه ای که به باور ایشان، بر اساس آن باید نگاه و نگرش ما در حوزه های مختلف فقهی، سیاسی، کلامی و... تغییر یابد.

وی در تبیین این دیدگاه، به ضرورت نگاه اجتماعی در مسائل دینی از نظر علامه اشاره کرد و گفت: بر اساس دیدگاه علامه، قرآن و سنت در مورد هر موضوعی سخن می گوید، در کنار بُعد فردی، یک بُعد اجتماعی نیز دارد و مسلمین موظف هستند، هر جا و در مورد هر موضوعی دیدگاه قرآن و سنت را بیان کنند و در ارتباط با آن ها نظریه دهند، به بعد اجتماعی آن توجه نمایند و این بُعد را حتماً حفظ نمایند.

وی مدعی شد: در عین اینکه به باور علامه طباطبایی، توافق دو فرد از نظر فکری محال است، اما از نظر اجتماعی باید فکر اجتماعی کرده به هر قیمتی از بروز اختلاف جلوگیری نمایند.

جوادی، سپس با استناد به متن کتاب های علامه این عبارات علامه را قرائت نمود: «چنانکه سابقاً اشاره کردیم، درعین حال که شیعه نسبت به برخی از سیرت ها و روش های اکثریت انتقاد و اعتراض داشت و تلاش فراوان در اصلاح این گونه مفاسد می نمود، پس از قرن ها، وقتی که تا اندازه ای از نعمت امنیت و استقلال برخوردار شد، به واسطه ریشه های عمیقی که این روش ها و سیرت ها در اجتماع اسلامی دوانیده و در میان عامه عادات و طبیعت ثانیه شده بود، موفقیت نیافتند، که این ریشه ها را از بن زده و سیرت اسلامی پاک اولی را به جای خود بر گردانند. و یکی از مهم ترین آن ها، فکر اجتماعی بود که قرآن شریف دستور اکید به وجود آوردن و نگهداشتن آن داده و نبی اکرم (ص) در دعوت و توصیه به آن هیچ فرو گذاری نمی کرد. مسلمین موظف بودند که در هر نظریه ای که با کتاب و سنت به نحوی تماس داشته باشد، فکر اجتماعی کرده، و به واسطه هر گونه تماس ممکن، از بروز اختلاف نظر به هر قیمتی باشد جلوگیری نمایند. ولی با رحلت پیغمبر اکرم (ص) و بروز اختلافات، این رویه متروک شد و اختلاف نظر در همه ی شئون اسلامی، حتی در فرهنگ پیش آمد و هر کسی راه جدا گانه ای اتخاذ نموده و خود را قهرماً به زندگانی فردی آشنا می ساختند... همه اختلافات مذاقی و مذهبی، در میان شیعه جوانه هایی است که از ریشه اختلافات و اختلال نظم دینی، در صدر اسلام روییده است و همه به یک اصل برمی گردند: و آن به زمین خوردن دستوری از دستورات قرآن می باشد، که به موجب آن مسلمین موظف بودند که تفکر اجتماعی نموده، و وحدت کلمه را در فکر و اعتقاد حفظ نمایند.»